

ادامه از صفحه ۱

راهکارهای پیشنهادی برای

تأمین هزینه‌های تسهیلات قرض‌الحسنه‌ای

راهکارهایی برای جایگزینی آن ارائه شده است که در اینجا به نقد و بررسی آنها می‌پردازیم.

تأمین مخارج تسهیلات قرض‌الحسنه از بیت‌المال

یکی از راهکارهای جایگزین برای دریافت کارمزد، تأمین هزینه‌های تجهیز و تخصیص منابع قرض‌الحسنه از سوی دولت است. توضیح اینکه، مراکزی که خدمات قرض‌الحسنه به مردم ارائه می‌کنند، دوگونه هستند: نوع اول، مراکزی هستند که فقط فعالیت قرض‌الحسنه انجام داده و کار دیگری غیر از آن ندارند؛ مانند بانک قرض‌الحسنه مهر ایران و با صندوق‌های قرض‌الحسنه. نوع دوم، مراکزی هستند که علاوه بر قرض‌الحسنه، تسهیلات سودآور دیگری نیز به مردم ارائه می‌کنند. دولت می‌تواند مراکز نوع اول را به‌مثابه سایر ادارات دولتی قرار داده و حق‌الرحمه کارمندان آنها و هزینه‌های مربوط به دفترچه‌ها و تجهیزات اداری آنها را از بیت‌المال تأمین کند. تأمین هزینه‌های مراکز دوم را نیز می‌توان برعهده خود آنها گذاشت؛ زیرا آنها دارای درآمدهای مناسبی از جهت ارائه تسهیلات سودآور بانکی هستند و خود می‌توانند هزینه‌های مربوط به کارمزد را تأمین کنند؛ البته دولت می‌تواند برای تشویق این مراکز به فعالیت‌های قرض‌الحسنه‌ای، تسهیلاتی مانند تخفیف مالیاتی و کاهش نرخ ذخیره قانونی سپرده‌گذاری را در حق آنان اعمال کند.

گفتنی است انجام چنین کاری هزینه چندانی بر دولت تحمیل نمی‌کند؛ زیرا تعداد مراکزی که صرفاً به فعالیت قرض‌الحسنه می‌پردازند، محدود است. دولت به‌راحتی می‌تواند هزینه‌های جاری و حقوق کارمندان آنها را تأمین کند. علاوه بر اینکه، بیشتر متقاضیان تسهیلات قرض‌الحسنه را اقشار ضعیف و کم‌درآمد جامعه تشکیل می‌دهند و هزینه‌کردن دولت درباره این گروه از افراد جامعه، با عدالت اجتماعی نیز سازگاری بیشتری دارد.

(معرفت اقتصادی، مؤسسه امام خمینی : سال چهارم، شماره اول، پیاپی هفتم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، بررسی کارمزد قرض‌الحسنه و شیوه‌های محاسبه آن در بانکداری اسلامی، محمد بیدار)

نقد نظریه راه‌حل دوازدهم(مخارج صندوق از بیت‌المال تأمین شود)

نقد: جواب نمی‌دهد و صندوق‌ها تعطیل می‌شود.

• راه‌حل سیزدهم

اختصاص بخشی از منابع قرض‌الحسنه به سرمایه‌گذاری

(راه حل پیشنهادی محمد بیدار ۱۳۹۱)

اگر دولت به هر دلیلی نتواند هزینه‌های مربوط به تجهیز و تخصیص منابع قرض‌الحسنه را بپردازد و لازم باشد، هزینه‌های مزبور از درون خود سیستم بانکی، نه بیرون از آن تأمین شود، یکی از راه‌های تأمین مخارج مزبور، این است که بخشی از منابع قرض‌الحسنه، به موارد سرمایه‌گذاری اختصاص یابد و از سود حاصله، هزینه‌های فعالیت‌های قرض‌الحسنه تأمین شود. این امر در بانک‌ها و مؤسساتی که علاوه بر قرض‌الحسنه به فعالیت‌های سودآور بانکی می‌پردازند، به‌راحتی امکان‌پذیر است؛ زیرا این مراکز، یک بنگاه اقتصادی بوده و اساس کار آنها بر سرمایه‌گذاری و سودآوری است. بنابراین، به‌راحتی می‌توانند بخشی از منابع قرض‌الحسنه را به مصارف سرمایه‌گذاری رسانده و از این طریق، هزینه‌های قرض‌الحسنه را پوشش دهند. همچنان که سال‌هاست که بانک‌ها بخشی از منابع قرض‌الحسنه را از دایره وام‌دهی خارج کرده، آن را در قالب تسهیلات سودآور بانکی به متقاضیان می‌پردازند (ر.ک: آمارهای بانک مرکزی ۸۷–۱۳۶۳). در حال حاضر نیز همین کار در بیشتر بانک‌ها صورت می‌گیرد.

مراکز دیگری نیز مانند صندوق‌های قرض‌الحسنه که به ارائه تسهیلات سودآور نمی‌پردازند، می‌توانند بخشی از منابع خویش را به سرمایه‌گذاری مستقیم یا غیرمستقیم اختصاص دهند. سرمایه‌گذاری غیرمستقیم می‌تواند شامل افتتاح حساب‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار در نزد بانک‌ها باشد. دولت می‌تواند بانک‌ها را موظف کند که سود بیشتری به سپرده‌های این صندوق‌ها بپردازند.

گفتنی است در این راهکار، چنانچه سود حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها بیشتر از هزینه‌های مربوط به قرض‌الحسنه باشد، مشکل شرعی پیدا نمی‌شود؛ زیراکه سپرده‌گذاران، وجوه خویش را در قالب عقد قرض در اختیار بانک و صندوق قرض‌الحسنه قرار می‌دهند. از آنجایی که تملیک عین از نتایج عقد قرض است، بانک و صندوق مالک سپرده‌ها می‌گردند و می‌توانند هر میزان از منابع قرض‌الحسنه را که خودشان تصمیم گرفتند، به سرمایه‌گذاری اختصاص دهند؛ ولی برای جلوگیری از برخی سوءاستفاده‌ها و اینکه مردم به سپرده‌گذاری در حساب‌های قرض‌الحسنه تشویق شوند، لازم است سقفی برای سرمایه‌گذاری در نظر گرفته شود تا مسئولان مراکز قرض‌الحسنه، نتوانند بیش از آن مقدار سرمایه‌گذاری کنند؛ زیرا در غیر این‌صورت، ممکن است برخی مدیران، سرمایه‌گذاری را بهانه کرده و از اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه به متقاضیان خودداری نمایند. بهتر است سقف مزبور به میزان تأمین هزینه‌ها باشد و از آن تجاوز نکند. تعیین این میزان می‌تواند به‌صورت مبلغ ثابت و مشخص، یا نسبتی از وجوه سپرده‌گذاری‌شده در حساب‌های قرض‌الحسنه باشد.

بانک مرکزی می‌تواند با کاهش نرخ ذخیره قانونی سپرده‌های قرض‌الحسنه، بانک‌ها، مؤسسات مالی و اعتباری و صندوق‌های قرض‌الحسنه را در سرمایه‌گذاری برای تأمین مخارج و ارائه بیشتر تسهیلات قرض‌الحسنه یاری کند. (معرفت اقتصادی، مؤسسه امام خمینی : سال چهارم، شماره اول، پیاپی هفتم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، بررسی کارمزد قرض‌الحسنه و شیوه‌های محاسبه آن در بانکداری اسلامی، محمد بیدار)

نقدنظریه راه‌حل سیزدهم (اختصاص بخشی از منابع قرض‌الحسنه به سرمایه‌گذاری)

نقد: صندوق سوء استفاده کرده و با پول‌های ارزان‌قیمت مردم سوداگری طلا و ارز انجام خواهد داد.



نظام سرمایه‌داری بین بهره‌ و رباخواری تفکیک قائل شده و فقط نرخ‌های بهره غیرمتعارف را نکوهدیده است و نرخ بهره متعارف را به‌صورت یکی از عوامل مؤثر در تنظیم ابزارهای سیاست‌های اقتصادی خود می‌داند، دین اسلام تفکیکی قائل نشده و هر دو را ناپسند دانسته و با ظالمانه خواندن قرض‌های ربوی، از یک سو به مبارزه با آن پرداخته و در صدد ریشه‌کن کردن آن برآمده است و از طرف دیگر، جهت تأمین نیازهای مالی مصرفی و سرمایه‌گذاری، به‌ترتیب راه‌هایی همچون «انفاق، وقف، قرض‌الحسنه، فروش اقساطی، مشارکت، مضاربه، مساقات، مزارعه، اجاره، جعاله و سلف» را جایگزین کرده است.

• راه‌حل چهاردهم

محاسبه کارمزد واقعی

(راه حل پیشنهادی محمد بیدار، ۱۳۹۱)

یکی از راه‌کارهای جایگزین برای شیوه فعلی، تغییر در چگونگی محاسبه کارمزد و تعیین میزان واقعی آن است؛ بدین معنی که تمامی هزینه‌های مربوط به فرآیند وام‌دهی در هر وام، به‌صورت مبلغ ثابت، مشخص گردیده و از وام‌گیرنده دریافت شود.

هزینه‌های مزبور می‌تواند در دو بخش جداگانه مطرح شود: بخش اول، مربوط به مراحل ابتدایی وام‌دهی است که از زمان مراجعه متقاضی به بانک شروع شده و تا پایان دریافت قرض‌الحسنه ادامه می‌یابد و عمده هزینه‌ها در این مرحله واقع می‌شود. بخش دوم، هزینه‌های مربوط به پرداخت اقساط وام است که در مقایسه با بخش اول، چندان هزینه‌بردار نیست. مراد از محاسبه واقعی هزینه‌های صورت‌گرفته، واقعیت فلسفی و دقت عقلی آن نیست که حتی یک ریال هم مورد توجه قرار گیرد؛ بلکه مراد از آن، محاسبه عرفی است که معیار تمامی محاسبات معاملات در فقه اسلامی است.

این شیوه با تمامی شرایط سه‌گانه‌ای که فقهای قائل به جواز دریافت کارمزد بیان کرده‌اند، منطبق است؛ زیرا آنچه مورد محاسبه قرار می‌گیرد، حقیقتاً خود کارمزد است که هیچ ارتباطی با مبلغ اسمی وام ندارد و به مقدار متعارف و با رضایت طرفین واقع شده است؛ ولی با نظر گروه دوم از فقها که دریافت کارمزد را حرام می‌دانند، انطباق ندارد؛ زیرا آنان هرگونه زیاده‌دریافت در قرض را به هر عنوان که باشد، از مصادیق ربا می‌دانند. (معرفت اقتصادی، مؤسسه امام خمینی : سال چهارم، شماره اول، پیاپی هفتم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، بررسی کارمزد قرض‌الحسنه و شیوه‌های محاسبه آن در بانکداری اسلامی، محمد بیدار)

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه گذشت درباره اصل و نفس دریافت کارمزد مشروط در قرض، دو نظر جواز و حرمت در بین مراجع تقلید وجود دارد. فرضیه مقاله این بود که شیوه فعلی محاسبه کارمزد قرض‌الحسنه، حتی با نظر موافقین اصل دریافت کارمزد هم مطابقت ندارد. این شیوه، شرایطی را که این گروه از فقها برای جواز دریافت کارمزد بیان کرده‌اند، تأمین نمی‌کند. قرائنی مانند تبعیت کارمزد از مبلغ اسمی وام، تعیین کف کارمزد، یکسان‌بودن آن در شرایط مختلف اقتصادی و پرداخت تبلیغات جوایز بانکی از محل کارمزدها این ادعا را ثابت می‌کند. تاکنون چندین راهکار برای تغییر شیوه فعلی ارائه شده است که برخی از آنها، مانند وکالت بانک از سوی سپرده‌گذاران، پرداخت کارمزد به‌شرط قرض و محاسبه کارمزد بر اساس تعداد اقساط، مورد نقد و بررسی قرار گرفتند. نتیجه بررسی‌های مزبور، حاکی از عدم توانایی کامل آنها برای برطرف‌کردن مشکل شرعی شیوه فعلی است. بر این اساس، سه راهکار جدید به‌ترتیب اولویت، برای جایگزینی شیوه فعلی پیشنهاد گردیده است که عبارتند از: تأمین مخارج قرض‌الحسنه‌ها از بیت‌المال، اختصاص بخشی از منابع قرض‌الحسنه به سرمایه‌گذاری و محاسبه کارمزد واقعی.

با قطع نظر از حکم فقهی دریافت کارمزد از تسهیلات قرض‌الحسنه،



منش مسلمانی اقتضا می‌کند که از دریافت‌کنندگان تسهیلات قرض‌الحسنه، کارمزدی دریافت نشود؛ زیرا عموم یا اکثر متقاضیان قرض‌الحسنه را نیازمندان و طبقات ضعیف و متوسط به پایین جامعه تشکیل می‌دهند. بر این اساس، ققهایی هم که دریافت کارمزد را به‌لحاظ فقهی، جایز دانسته‌اند، توصیه کرده‌اند که به‌لحاظ رعایت حال ضعفای جامعه، بهتر است مخارج فعالیت‌های وام‌دهی در بانک‌ها و صندوق‌های قرض‌الحسنه از جاهای دیگر تأمین شود و چیزی از وام‌گیرندگان دریافت نشود. (مکارم، ۱۳۷۶، ص ۶۹؛ صافی، ۱۳۱۷، ص ۳۰۳) (معرفت اقتصادی، مؤسسه امام خمینی : سال چهارم، شماره اول، پیاپی هفتم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، بررسی کارمزد قرض‌الحسنه و شیوه‌های محاسبه آن در بانکداری اسلامی، محمد بیدار)

***نقد نظریه راه‌حل چهاردهم(کارمزد واقعی محاسبه شده و از قرض‌گیرنده اخذ شود)**

نقد: با مراجعی که گرفتن اضافه را جایز نمی‌دانند، سازگاری ندارد.

• راه‌حل پانزدهم

(راه حل پیشنهادی مهدی خطیبی، ۱۴۰۰)

تأمین مالی هزینه تسهیلات قرض‌الحسنه در نظام بانکی یکی از چالش‌های بانکداری بدون ریاست. در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی، به بررسی تطبیقی کارمزد قرض‌الحسنه و ربای قرضی می‌پردازیم. در روش رایج در نظام بانکی کشور، بانک پس از محاسبه هزینه‌ها، در قالب شرط ضمن عقد، از مشتری معادل ۴ درصد تسهیلات هزینه دریافت می‌کند. برخی مبلغ زیادی دریافتی را حتی اگر تحت عنوان کارمزد و معادل هزینه‌ها باشد، ربا و حرام می‌دانند. بر اساس یافته‌های پژوهش، دریافت کارمزد قرض‌الحسنه و درصدی‌بودن آن فاقد اشکال است. مهم آن است که سرجمع کارمزد دریافتی از هزینه‌های انجام‌شده توسط بانک بیشتر نباشد. در این راستا، اجزای هزینه‌های مؤثر در محاسبه کارمزد بررسی و بعد از ارزیابی پیشنهادهای جایگزین کارمزد، پیشنهاد جدیدی در این رابطه ارائه شد. بر اساس الگوی پیشنهادی مقاله، بانک می‌تواند انجام هزینه‌ها را به‌صورت مستقیم به خود مشتری بسپارد(روش واسپاری و وکالت). بانک در مواردی که امکان واسپاری وجود ندارد، امور هزینه بر را به وکالت از مشتری انجام می‌دهد تا هزینه‌ها از ابتدا بر ذمه وی مستقر شود و یا از منابع دیگر که در قسمت پیشنهادها آمده، این موارد را تأمین هزینه کند.

راه‌کارهای پیشنهادشده برای تأمین هزینه‌ها(جایگزین کارمزد)

۱. تأمین هزینه‌های قرض‌الحسنه توسط دولت اسلامی؛

۲. اختصاص ۲۰ تا ۲۵ درصد از منابع قرض‌الحسنه به سرمایه‌گذاری؛

۳. تأمین هزینه‌ها از محل زکات واجب (سهم سبیل الله).

پیشنهادنهایی

بهرتر است از هر سه روش پیشنهادشده در کنار روش کنونی برای تأمین هزینه‌های تسهیلات قرض‌الحسنه استفاده شود؛ یعنی با فرض اینکه هزینه‌ها معادل ۴ درصد تسهیلات باشد، بخشی از هزینه‌ها (مثلاً قریب ۲ درصد)، از مشتری دریافت شود، بخشی نیز



• ویژه‌نامه بانگداری بدون ربا / ۲

(مثلاً قریب یک درصد) از محل درآمدهای بانک تأمین گردد. می‌توان سهم نهاد قرض‌دهنده از زکات واجب را تحت عنوان «سبیل الله» تأمین کرد و در نهایت دولت بقیه هزینه‌ها(قریب یک درصد) را تأمین کند.

نتیجه‌گیری

پیشنهادی که در این مقاله بر آن تأکید شده، توزیع هزینه‌ها بین قرض‌گیرنده، نهاد قرض‌دهنده و دولت اسلامی است. (معرفت اقتصاد اسلامی سال دوازدهم شماره دوم، پیاپی ۲۴، بهار و تابستان ۱۴۰۰ مهدی خطیبی؛ مقاله پژوهشی، بررسی تطبیقی کارمزد قرض‌الحسنه و ربای قرضی «اجزای هزینه، روش تسهیم»)

***نقدنظریه راه‌حل پانزدهم(همان ۴درصد کارمزد، بین دولت ۱درصد، وجوهات ۱درصد و قرض‌گیرنده ۲درصد تقسیم شود)**
نقد: با نظر مراجعی که گرفتن اضافه را جایز نمی‌دانند، سازگاری ندارد.

• راه‌حل شانزدهم

(راه حل پیشنهادی مهدی فدایی خوراسگانی، ۱۳۸۴)

دانشگاه آزاد اسلامی با ربع قرن فعالیت و نزدیک به ۲۷۰ واحد مرکز آموزشی در داخل و خارج از کشور و با بیش از ۵۰ درصد از کل دانشجویان کشور، همگام با برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور نقش به‌سزایی در ارتقای سطح آموزش‌عالی و تولید علم داشته است. این مؤسسه علمی که مؤسسه‌ای غیرانتفاعی نوع دوم است، با جذب منابع مالی از جمله شهریه دانشجویان، کمک‌های مردمی و سازمان‌ها و سایر منابع، بدون استفاده از بودجه‌های عمومی دولت، به دانشجویان، استادان و کارکنان دانشگاه خدمت‌رسانی می‌کند. از جمله تسهیلاتی که دانشگاه در اختیار دانشجویان، کارکنان و اعضای هیئت علمی قرار داده، تسهیلات مالی و اعتباری کنار تسهیلات رفاهی است که برای دانشجویان می‌توان وام صندوق رفاه دانشجویان شامل قرض‌الحسنه، کمک‌هزینه ازدواج، ضرور، شهریه کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت و برای کارکنان، وام‌های خرید مسکن، تعمیرات مسکن و برای اعضای هیئت علمی، وام خودرو و جهت کارکنان و استادان، وام‌های ودیعه اجاره مسکن، ضرور و وام صندوق پس‌انداز از منابع مالی دانشگاه نام برد. استفاده از این تسهیلات به قراردادهای مناسب و منطبق با عقود اسلامی نیاز دارد. ماهیت عقود اسلامی در این است که ربوی نبوده و مصلحت طرفین مدنظر باشد. در این تحقیق، ضمن تعریف ربا و تورم و مشخص‌کردن حریم ربا، به بررسی آرای گوناگون درباره موضوع «روش‌های جبران کاهش ارزش پول» و تفکیک آن از موضوع «کارمزد» پرداخته، الگوهای فقهی و کاربردی ارائه‌شده را بررسی کردیم؛ سپس دو الگوی کاربردی برای قراردادهای تسهیلات مالی اعتباری جهت محاسبه کارمزد و جبران کاهش ارزش پول ارائه کردیم تا به این ترتیب در حریم شبنقت ربوی وارد نباشد. در نهایت در جهت کاربردی‌کردن نظر مخالفان جبران کاهش ارزش پول، الگوی دیگری منطبق با قانون بانکداری بدون ربا ارائه شده است.

نتیجه‌گیری: به‌رغم اینکه نظام سرمایه‌داری بین بهره و رباخواری تفکیک قائل شده و فقط نرخ‌های بهره غیرمتعارف را نکوهدیده است و نرخ بهره متعارف را به‌صورت یکی از عوامل مؤثر در تنظیم ابزارهای سیاست‌های اقتصادی خود می‌داند، دین اسلام تفکیکی قائل نشده و هر دو را ناپسند دانسته و با ظالمانه خواندن قرض‌های ربوی، از یک سو به مبارزه با آن پرداخته و در صدد ریشه‌کن کردن آن برآمده است و از طرف دیگر، جهت تأمین نیازهای مالی مصرفی و سرمایه‌گذاری، به‌ترتیب راه‌هایی همچون «انفاق، وقف، قرض‌الحسنه، فروش اقساطی، مشارکت، مضاربه، مساقات، مزارعه، اجاره، جعاله و سلف» را جایگزین کرده است.

مدل پیشنهادی محاسبه کارمزد تسهیلات

جهت پرهیز از ایجاد شبهه ربوی، بهتر است کارمزد را به‌صورت درصد معینی از مبلغ اسمی تسهیلات تعیین نکرد؛ بلکه بر اساس تعریف آن، در باره خدماتی که برای متقاضی انجام می‌شود، تعیین کرد.

خدماتی که برای متقاضی تسهیلات انجام می‌گیرد، عبارتند از: تکمیل فرم‌های مربوطه، تنظیم سند‌های مالی، هزینه‌های ناشی از واریز و نقل و انتقالات ربایی بانکی و ... چنان که ملاحظه می‌شود، این خدمات با تعداد اقساط بازپرداخت وام ارتباط مستقیم دارد؛ پس می‌توان کارمزد را تابعی از«تعداد اقساط» تعیین کرد. از طرف دیگر با افزایش اقساط، هزینه‌های جنبی دیگری نیز جهت نگهداری حساب ایجاد می‌شود؛ به‌طور مثال، نگهداری و محاسبه و انجام وام یک میلیون تومانی ۱۲ قسطی با ۶۰ قسطی تفاوت دارد. بدیهی است که قسمتی از کار انجام‌شده برای هر دو وام ثابت است؛ اما وام دوم از ماه ۱۲ به بعد تا ۶۰ ماه هزینه‌های جانبی دیگری نیز ایجاد می‌کند. (اقتصاد اسلامی، سال پنجم، زمستان ۱۳۸۴، شماره ۲۰، ص۱۵۸–۱۳۷، بررسی کارمزد تسهیلات مالی با عقود اسلامی، مهدی فدایی خوراسگانی)

نقد نظریه راه حل شانزدهم(کارمزد بر اساس تعداد اقساط گرفته شود، درصدی نباشد)

نقد: با نظر مراجعی که گرفتن اضافه را جایز نمی‌دانند، سازگاری ندارد.

جمع‌بندی

۱. اقتصاددانان بر این عقیده هستند که صندوق تسهیلات برای ادامه کار خود، نیازمند به تأمین مالی است.

ادامه در صفحه بعد